

هنگام عمر

خاطرات و فعالیت های محمد صنعتی

بناظری به تحولات و رخداد های
سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کرمان
در هفت دهه اخیر

به همراه:

آلبومی از استادان ارکان کرمان

۱۳۰۰ تا ۱۳۹۳

مجید نیک پور

سرشناسه : صنعتی، محمد
 عنوان و نام پدیدآور : رهگذار عمر: خاطرات و فعالیت های محمد صنعتی...
 مشخصات نشر : کرمان : ولی ، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری : ۹۱۲ ص.: مصور(رنگی)
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۹۶-۸۶-۸
 وضعیت فهرست نویسی : فیپای مختصر
 یادداشت : فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۸۳۳۳۸۲

انتراشیت و

عنوان کتاب: رهگذار عمر (خاطرات و فعالیت های محمد صنعتی)
 به کوشش: مجید نیک پور
 خوشنویسی روی جلد: محمود نایب لی
 طرح روی جلد و صفحه آرای: مهدی جعفری
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۹۶-۸۶-۸
 نوبت چاپ : اول بهار ۱۳۹۴
 قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان
 شمارگان : ۲۰۰۰ نسخه
 چاپ و صحافی : چاپ کارمانیا (شرکت تعاونی مطبوعات جنوب شرق) - تلفن : ۶ - ۳۲۲۶۹۱۰۵
 حق چاپ برای محمد صنعتی محفوظ است
 آدرس: کرمان، خیابان عباس صباحی، پلاک ۱۴۱، تلفن: ۰۹۱۳۱۴۰۲۸۷۲

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱۱	 مقدمه ناشر
۱۷	 مقدمه مولف
۲۱	 مقدمه محمد صنعتی

فصل اول

۲۹	 دوران کودکی
۱۳۲۰	 حدود جغرافیایی شهر کرمان - وضعیت اجتماعی و اقتصادی کرمان در سال‌های ۱۳۲۰
	وضعیت نان و ارزاق عمومی و خوردن خون گوسفندان به جای غذا - دخالت کنسول انگلیس در ارزاق عمومی شهر کرمان - وضعیت بهداشتی و درمانی کرمان در چند دهه پیش - وضعیت امنیتی کرمان در چند دهه پیش - وضعیت تحصیلی و آموزشی کرمان در چند دهه پیش

فصل دوم

۴۹	 فعالیت‌های اقتصادی
	کارخانه خورشید - پیشینه بافندگی در کرمان - پیشینه و فعالیت کارخانه خورشید - تأسیس کارگاه‌های صنعتی و حرفه‌ای - اعلام جرم بر علیه شرکت مقاطعه‌کاری - احداث کارخانه تانگرسازی در کرمان، بندرعباس و زاهدان - نگاهی به راه طی شده

فصل سوم

۹۵	 فعالیت‌های سیاسی
	کارخانه خورشید؛ مرکز ثقل سیاسی کرمان - وضعیت سیاسی حاکم بر کارخانه خورشید - کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش و جریان‌ات حادث شده در کرمان - مردم کرمان را از اتهام قتل سرگرد سخایی مبرا می‌دانم - کمیته‌ی مجازات، کمیته‌ی سری مرگ - اعلامیه فرماندار نظامی در خصوص ربودن و قتل سرلشکر افشار طوس انتخابت جنگالی دوره هیجدهم مجلس شورای ملی در کرمان - کرمان مابین وابستگی و طرفداران دو اَبول تقسیم شده است - پهلوی قبر سرگرد سخایی، جای قبر زیاد است؛ باید این قبرستان را پر کرد - تشکیل کمیسیون امنیت اجتماعی و تبعید دکتر بقایی و تعدادی از یاران او - دستگیری دکتر بقایی و تبعید به جزیره هرمز - اعتکاف در مسجد جامع کرمان - سومین استاندار قربانی انتخابات دوره هیجدهم مجلس در کرمان دکتر بقایی و مهندس رضوی از دیدگاه چند نفر از صاحب نظران - بقایی: ما برای راستی و آزادی قیام کرده‌ایم - بقایی؛ استاد فلسفه و اخلاق و مقید به مبنای آن - بقایی؛ صالح بود، دزد نبود و به خارجی‌ها وابستگی نداشت - نامه سرگشاده دکتر بقایی در رابطه با

حضرت امام (ره) - فکر می کنید پسری هستید که پشت سر هفت دختر آمده‌اید - چگونگی تشکیل حزب زحمتکشان - انشعاب در حزب زحمتکشان و تشکیل نیروی سوم - نامه سرگشاده خلیل ملکی به آیت الله کاشانی - آیت الله کاشانی: دکتر بقایی نظیر ندارد، دارای تقوای سیاسی است - بقایی جز فتنه جویی و به هم اندازی تا کنون چه خدمتی کرده ؟ - نام بقایی از تاریخ معاصر ایران نازدودنی است - مهندس سید احمد رضوی - تأثیر نطق مهندس رضوی برای کشور از صد هزار قشون بیشتر بود - ایشان (مهندس رضوی) یکی از بهترین و آزادی‌خواه‌ترین مردم ایران هستند - هنوز کرمان از وجود جوانان دانشمندی چون او خالی نیست - مقدمه‌ی علینقی بهمنیار بر مجموعه نطق مهندس رضوی - گوشه‌هایی از نطق مهندس رضوی - انقراض سلطنت - ما در زندگی سیاسی خود فقط یک جنایت کرده‌ایم و آن مبارزه با شرکت غاصب نفت جنوب بود - محاکمه و صدور رأی مهندس رضوی - مگر این سید جلیل‌القدر / زاده‌ی خسرو خراسان نیست؟ -

ادامه فعالیت‌های سیاسی ۳۳۱

فصل چهارم

- فعالیت‌های اجتماعی** ۳۳۷
- الف - انجمن‌های محلی شهر کرمان ۳۳۹
- احداث بیمارستان بیمه و خانه‌های سازمانی؛ دو نمونه از تلاش‌های انجمن ابوحامد - انعکاس فعالیت‌های انجمن‌های محلی در جراید - تشکیل جلسه انجمن ابوحامد به مناسبت جشن ملی شدن نفت - جلسه انجمن محلی خیابان خواجه و فردوسی - جلسه انجمن محلی حافظ ب - هیئت مشورتی روزنامه اطلاعات در کرمان ۳۵۵
- اولین پیشنهادات هیئت مشورتی روزنامه اطلاعات در کرمان
- ۱- تأسیس شرکت اتوبوس‌رانی کرمان ۳۶۳
- شروع به کار شرکت اتوبوس‌رانی کرمان
- ۲- تأسیس دانشگاه کرمان ۳۷۵
- سفر سناتور مسعودی به کرمان و اصرار اهالی مبنی بر تأسیس دانشگاه - ارتقاء خواسته کرمانیان از تأسیس دانشکده کشاورزی و فنی به تأسیس دانشگاه - شرکت در سمینار جنبش ملی نیکوکاری و صحبت با مهندس افضل‌پور - تأسیس دانشگاه در کرمان؛ شوخی خطرناک - روند تأسیس دانشگاه کرمان به روایت مطبوعات - نقش سناتور مسعودی در تأسیس دانشگاه در کرمان - نگاهی گذرا به وضعیت دانشگاه از ابتدا تا حال - رهروان زنده‌یاد مهندس علیرضا افضل‌پور
- ۳- نگاهی گذرا به اهم مسایل مطرح شده در هیئت مشورتی ۳۱۴
- ج - انجمن شهرستان کرمان ۳۲۱
- سرعت عمل در جهت اجرای خواسته‌های مردم - رعایت شأن و مرتبه‌ی اعضای انجمن شهرستان به عنوان نمایندگان مردم
- ۱- اولین دوره انجمن شهرستان کرمان ۳۲۸
- اقدام جهت ثبت املاک و مستغلات فاقد سند - پزشکان کرمان عوض طبابت، تجارت می‌کنند - انتقاد از وضعیت مخابرات کرمان

- ۲- دومین دوره انجمن شهرستان کرمان ۳۴۲
- امتیاز تاکسی در کرمان گران‌تر از تهران است - جلسات سیار انجمن شهرستان کرمان - جلسه سیار در ماهان - جلسه سیار در زرنده - جلسه سیار در راور - نامه یکی از دانشجویان کرمانی در خصوص جلسات سیار انجمن شهرستان کرمان - انجمن شهرستان حق دخالت در امور مربوط به ادارات را ندارد - گزارش انجمن از اقدامات انجام شده - ۲۵۰ تن قند و شکر را موش‌ها خورده‌اند - محمد صنعتی؛ انجمن‌ها با مشکلات مردم منطقه خود آشنایی دارند - سرگردانی صدها بیمار در تنها بیمارستان شهر - بررسی چگونگی انجام طرح‌های تصویری سال قبل انجمن - پست کرمان حرکت لاک پستی دارد - عدم حمایت دستگاه‌های اجرایی از کشاورزان ۳۸۳
- ۳- سومین دوره انجمن شهرستان کرمان ۳۸۳
- یک طرفه کردن خیابان‌ها مربوط به شهرداری نیست - انتقاد شدید از کمبود مواد غذایی - رانت‌خواری برخی از مسئولان از گوشت مرغ، تخم مرغ و سیمان در کرمان - ما کرمانی‌ها تنبل هستیم و اگر بشود حتی حاضریم با اتومبیل داخل مغازه بشویم و خرید کنیم - طلسم چهل ساله آسفالت راه کرمان - شهرداد شکسته شد - بیمارستانی که پس از ۲۷ سال به بهره‌برداری رسید - نمایندگان باید به وعده‌هایی که قبل از انتخابات به مردم می‌دهند عمل کنند - آب آشامیدنی حلبی ۵ تومان خرید و فروش می‌شود - انتقاد شدید از وضع مدارس روستایی - تکمیل زمین ورزشی استادبوم شهاب با اعتبار یک میلیون ریال - بازدید از راور و بررسی مشکلات آن منطقه - توصیه انجمن شهرستان مبنی بر آب رسانی بهداشتی به روستاها - انتقاد شدید از مرکز آمار ایران - بعضی از دکترها نسخه را از روی لباس بیمار می‌دهند - کوهپایه می‌تواند بهترین گردشگاه تابستانی مردم کرمان شود - بی‌عدالتی در تخصیص اعتبارات روستایی - خیابان گنجعلی خان چون بن بست است به صورت پارکینگ درآمد است - بررسی مشکلات و معضلات گلباف، شهرداد و اندوهجرد - بچه‌ها موقع امتحانات به علت کمبود صندلی در بعضی مدارس مجبورند روی زمین بنشینند - آب لوله‌کشی غیر بهداشتی سلامت مردم سرآسیاب شش را به خطر انداخته - کشیت راه ندارد و مردم واقعاً در جهنم زندگی می‌کنند - حفر ۳۲۰ متر از تونل راه کرمان - شهرداد - دود کوره‌های خیابان شهناز باعث ناراحتی مردم شده است اعلام جرم بر علیه مسببین حادثه مسجد جامع کرمان ۴۵۴
- صدور اعلامیه در حمایت از مردم و تعطیلی انجمن شهرستان ۴۶۳
- اعلام همبستگی و پشتیبانی و دولت موقت ۴۶۶
- تعدادی از اعضای سه دوره‌ی انجمن شهرستان کرمان ۴۶۸
- د- فعالیتهای اجتماعی دیگر ۴۷۲
- ۱- کمیته حمایت از مصرف‌کنندگان و اتاق اصناف ۴۷۲
- ما را از خوردن یک شکم سیر میوه، شیرینی و غذاهای مختلف محروم نمودی! - پدران ما که موز نمی‌خوردند مگر چه شدند؟ - تحریم کالا در نوروز - تغییر نرخ کرایه تاکسی در شهر کرمان پس از ۲۰ سال ۴۹۱
- اتاق اصناف ۴۹۷
- ۲- کلوپ روتاری ۴۹۷

۵۰۰	۳- انجمن‌های نیکوکاری
۵۰۰	الف - بنیاد نیکوکاری استان کرمان
۵۰۴	ب - بنیاد نیکوکاری حضرت سجاد (ع)
۵۰۶	ج - آموزش مهارت‌های فنی به نوجوانان پرورشگاه‌های صنعتی و دیلمقانی
۵۱۱	بنیاد خیریه فرهنگی - تربیتی حاج علی اکبر صنعتی و مؤسسات وابسته
۵۲۱	انجمن مدیریت ایران
۵۲۴	۴- کمیته جنگل قائم
	ماجرای کشک و بادمجان سال ۱۳۵۹ ش-رییس جمهور را دستگیر کنید و به دادگاه انقلاب معرفی نمایید

فصل پنجم

۵۵۱	فعالیت‌های فرهنگی
	پیشنهاد در خصوص فضای سبز شهر کرمان - زندگی سراسر تلاش مرحوم ارجمند،
	الگوی برای تمامی جوانان شهرم - همکاری در ساخت کتابخانه مزار آقا - محمد
	صنعتی، مروج کتاب و کتابخوانی - حمایت از مؤلفین و محققین - یادی از چند
	تن از همشهریان زرتشتی - دینیار رشید مهربان و پوران دخت - ارباب کیخسرو
	شاهرخ کرمانی- بیمارستان خداداد مهرابی- مدارس زرتشتیان کرمان- بهرام سهرابی.

فصل ششم

۵۹۱	فعالیت‌های ورزشی
۶۰۴	دوچرخه سواری از کرمان به تهران
۶۱۰	ریاست هیئت کشتی استان کرمان (قبل از انقلاب)
۶۱۲	ریاست هیئت کشتی استان کرمان (پس از انقلاب اسلامی)
۶۳۱	افتتاح خانه پیشکسوتان استان کرمان
۶۴۸	جام طناب‌کشی محمد صنعتی

فصل هفتم

۶۵۱	هفت دهه فعالیت به روایت عکس و سند
-----	-----------------------------------

فصل هشتم

۷۵۱	آلبوم استانداران کرمان از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۹۳ شمسی
۸۵۶	نمایه ها
۹۱۰	فهرست منابع

مقدمه ناشر:

کرمان، گذرگاه پویایی، سرزمین مردان و زنان سخت کوش، «کارمانیای» کارساز و کارآفرین و کاربافی^۱، دیار رویارویی طبیعت سخت و خشن و انسان‌هایی که صخره دشواری‌ها را به سخره گرفته و آن‌ها با لبخند عزم و اراده و باور در هم می‌شکنند.

خطه دلاور پروری که از نخستین روزهای آغاز تلاش انسان برای دستیابی به زندگی بهتر و یا پس از دوران پارینه سنگی و نو سنگی، از پیشگامان تمدن بشری به شمار می‌رود. تا آنجا که رایت با عظمت اقتصاد و تجارت این دیار را بر فراز قرن نهم پیش از میلاد مسیح^۲ بر اهتزاز می‌بینیم و نامورانش در عرصه فرهنگ و سیاست و هنر ... همچون ستاره بر پیشانی آسمان ایران می‌درخشند. مردم این خطه در گذر تاریخ، همواره آفریننده سرافرازی‌ها و بزرگی‌ها بوده‌اند و هر یک با آنچه در توان داشته، کوشیده‌اند تا این کاروان تاریخ ساز را همراهی کنند و از لحظه لحظه‌های زندگی برای رسیدن به این آرمان بهره ببرند. به سخنی دیگر، آن که در پهنه‌ی فرهنگ و ادب و دانش، خود را دارای قوه و توان می‌یافت در این راستا، قدم در راه دشواری‌ها گذاشت و خواجه‌گونه از عراق عجم تا مصر و عربستان را زیر پا گذاشت و هر جا محفل و مجلسی بر پا دید، زانوی ادب و شاگردی بر زمین زد و بی هر گونه اکراه، درس معلم را همچون زمزمه محبتی شنید و در این رهگذر به جایگاهی رسید که بزرگان این همه درک محضرش را افتخار می‌دانستند بود لطافت خواجه حدیث قصه عشق از این چو شاخ گلش می‌برند دست به دست ناموران دیگری چون ابو حامد افضل کرمانی، شاه نعمت الله ولی، عماد فقیه،

۱- یکی از وجوه تسمیه کرمان یا کارمان اینست که این سرزمین از دیرباز خاستگاه کار و کربافی بوده. کرمانی‌ها به پارچه و بافته، کار و به بافنده، کرباف و به عنکبوت که تار می‌بافت، کربافو می‌گویند.
۲- به تاریخ تجارت و اقتصاد کرمان از هزاره نهم پیش از میلاد، اثری از همین نویسند.

ابی الفخر کرمانی و ... نیز از همین شیوه پسندیده بهره بردند. آن گونه که ره آورد هر یک برای این سرزمین، چلچراغ‌های روشن و پر فروغی بود که صحن و سرای فرهنگ و ادب را همواره روشن نگاه داشته است. در سایر پدیده‌ها نیز هر کس به اندازه توان کوشیده است تا در رهگذر آگاهی و دانش خود، گامی بردارد و کاروان سرافرازی‌ها و عزت این کهن سرزمین را همراهی کند.

یکی از بخش‌هایی که بر غنای تاریخ و ادبیات این خطه افزوده است، خاطره نویسی و دل نوشته است. مجموعه گران بهایی که پنجره‌های تازه‌ای فرا رویمان گشوده و ما را با دنیاهای ناشناخته روبرو می‌سازد. یکی از توانمندترین این عرصه، افضل کرمانی است که بیان مشاهدات او از رخدادها آن قدر گیرا و زیباست که امروز از آن به عنوان اصل تاریخ یاد می‌کنیم. مثلاً آنجا که بعد از ظهر یک روز بهار، بر بامی در نزدیکی‌های دارزین نشسته و به تشریح این منطقه سر سبز و برکاتی که طبیعت به آن عنایت کرده است می‌پردازد. و یا در جای دیگر، خاطره دیدار خود با ملک دینار غر را بیان می‌کند و به تشریح تصمیم سازنده و ارزشمند خود می‌پردازد و می‌گوید: فکر کردم، حالا که به دیدار مردی آن چنان خشن می‌روم، باید ابتدا زمینه‌ای را فراهم سازم که - حتی به مقدار اندک - روح او را تلطیف کنم، لذا «بابکر» نامی که صوت داودی او آرام بخش دل‌ها می‌شد را با خود همراه کردم و قبل از گفتگو خواستم تا ملک، آوازی بشنود و ... در همین قرن اخیر نیز خاطره‌نویسان توانایی به جمع آوری و انتشار آثاری همت گماردند که برخی آن‌ها بیانگر گوشه‌هایی از تاریخ کرمان به شمار می‌روند. در این میان می‌توان از اثر دلنشین و کرامند صنعتی دیگری - یعنی عبدالحسین صنعتی زاده کرمانی، پسر حاج اکبر، بانی پرورشگاه صنعتی - یاد کرد که در اثر ارزشمند خود با عنوان «روزگاری که گذشت» به بیان خاطرات خود از جای جای کرمان آن روز، به ویژه میدان گنجعلی‌خان و رویدادهایش، پرداخته است.

باری این اقدام ارزشمند، همواره توجه صاحب دلان و علاقه‌مندان به امر تحقیق و پژوهش را به خود جلب کرده است، که از این منظر، اقدام اخیر آقای محمد صنعتی، قابل تقدیر و ستایش است.

و اما آشنایی من با ایشان به حدود سال‌های ۱۳۴۳ بر می‌گردد که به عنوان نوجوانی دیپلمه، به صورت روزمزد در بهداری استان آن روز، مشغول

شده بودم. محل خدمت من آسایشگاه مسلولین (بیمارستان شفا) بود و هر روز یکی دو بار پیاده یا سواره از برابر مغازه ایشان که درست در نبش میدان باغ ملی قرار داشت می‌گذشتم و هر بار مردی تنومند و با هیمنه را می‌دیدم که پشت میز کوچکی نشسته و مدیریت کارگاه فنی خود را در دست داشت. صنعتی در عین حال از اخلاق ورزش کارانه برخوردار بود، هر بار که به او سلام می‌کردم، با فروتنی و ویژه‌ای پاسخ می‌گفت و جلوه‌های روشنی از تواضع پهلوانانه را به تماشا می‌گذاشت. پس از این دوران بود که من در سال ۱۳۴۷ راهی دانشگاه شدم و پس از فراغت از تحصیل و بازگشت به خدمت قبلی، مسئولیت رییس امور مالی و اداری سازمان منطقه‌ای بهداشتی به من سپرده شد و بنا به وظیفه اخیر از آن سازمان به بعد، در برخی جلسه‌های استانداری شرکت می‌کردم و اکثراً با آقای صنعتی که ریاست انجمن شهرستان را به عهده داشت، دیداری داشتیم. تصویر ذهنی به جا مانده از آن سال‌ها، مرا به خاطر می‌آورد که چگونه ایشان به دفاع از منافع مردم می‌پرداخت و هر جا خطری احساس می‌کرد، کوتاه نمی‌آمد. به یاد دارم یک بار بر سر موضوعی که خط قرمز منافع مردم کرمان را زیر پا می‌گذاشت، محمد طباطبایی استاندار وقت کرمان را به چالش کشید، او ابتدا سعی کرد، صنعتی را متقاعد کند، اما موفق نشد و ایشان همچنان بر عقیده و آرمان خود پای می‌فشرد، تا این که طباطبایی گفت: این فرمان اعلیٰ حضرت است. لحن کلام صنعتی کمی آرام شد اما پافشاری بر دفاع از حقوق مردمی همچنان ادامه داشت. و باز به خاطر می‌آورم که وقتی جلسه به پایان رسید و من و ایشان با هم از جلسه خارج شدیم، با چهره‌ای برافروخته گفت: شاه هم مثل دیگران اشتباه می‌کند.

پس از انقلاب، هراز چند گاه یک بار ایشان را در محفل و مجلسی دیدار می‌کردم و گپ و گفتی داشتیم، به ویژه این که تقریباً همه اوقات من - حتی آن روز که در دفتر اجتماعی و حوزه مشاورت استانداری فعالیت داشتم - برای کارهای فرهنگی صرف می‌شد و می‌دانستم که آقای صنعتی نیز از دل‌بستانان این حوزه به شمار می‌رود، به همین دلیل شبی با اشتیاق به کتابخانه شخصی ایشان رفتم و از آن گنجینه‌ی ارزشمند، که در نوع خود منحصر به فرد است، بهره‌برد.

باری صنعتی، جان مایه زندگی یک جامعه موفق را در سه اصل جستجو کرده و در هر سه مورد خوش درخشیده است. نخست: کار و تلاش و

پیشگفتار:

به نام آن که در پنهان و پیدا
ظهورش دایم از نورش هویدا
چنان پیداست از پیدا و پنهان
که پنهانست در پنهان و پیدا

از سال‌ها پیش در فعالیت‌های پژوهشی و تحقیقی در عرصه‌ی تاریخ کرمان، همواره کمبود منابع و مآخذ معتبر و مستند، یکی از دغدغه‌های همیشگی بنده و بی‌تردید دیگر محققین این عرصه بوده و هست. این مهم در تاریخ یک صد ساله‌ی اخیر این دیار، به واسطه‌ی عدم انتشار اسناد، تألیف آثار متعدد و ... مشهودتر و ملموس‌تر می‌نماید.

به طور معمول و در اغلب مواقع، یکی از مهم‌ترین راهکارهایی که می‌تواند گوشه‌ای از این خلاء و کمبود را جبران نماید، مصاحبه با معمرین و افراد تأثیرگذار در عرصه‌های مختلف و به تعبیری، استفاده از آرشیو شفاهی است. در این زمینه تا کنون کارهایی نیز جسته و گریخته انجام گرفته و بر این مدعا می‌توان به مصاحبه‌های متعدد با افرادی چون مرحوم سید محمدرضا هاشمی (مدیر روزنامه بیداری)، مرحوم حجت‌الاسلام سید جواد نیشابوری (مدیر حوزه‌های علمیه کرمان)، مرحوم جواد رشید فرخی (شاعر و فعال اجتماعی)، مرحوم حبیب الله رشید فرخی (اولین جراح کرمان) و ... در حوزه‌های: تاریخ علما و روحانیون، پیشینه‌ی پزشکی، فرهنگ و اقتصاد و ... کرمان اشاره نمود.

در این راستا، آشنایی با آقای محمد صنعتی را به فال نیک گرفته، چرا که می‌دانستم به واسطه‌ی حضور فعال و مستمر در عرصه‌های مختلف استان - در طول چندین دهه - و خوشبختانه به مدد حافظه قوی و مطالعات گسترده در حوزه‌های متعدد، می‌توان از دیده‌ها، شنیده‌ها و خاطرات وی در تکمیل پژوهش‌ها و تحقیقات مرتبط در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ...

کرمان در یک قرن اخیر استفاده نمود و به تعبیر اهل تاریخ و سند پژوهی، از وی چونان گنجی ارزنده در حوزه آرشیو شفاهی استفاده نمود.

این پیش فرض، با ارتباط بیشتر با وی و علم بر حسن خلق، بیان شیوا، تعهد به ارایه مستندات و منابع، تعلق شدید به تاریخ و زادگاه و از همه مهم تر، اجتناب از غرض ورزی، یک سو نگری و جانب داری های شخصی و سیاسی، به یقین تبدیل و در جلسات متعددی که در دفتر و کتابخانه ی نفیس وی در منزلش داشتم، برایم ثابت گردید. چرا که هر بار در خصوص شخصیت و واقعه ای از او می پرسیدم، با رویی گشاده، با بیان توضیح جزئیات، ساعت ها وقت خود را در اختیارم گذاشته و شاهد بودم، هر گاه در یادآوری اسم، تاریخ و یا واقعه ای دچار تردید و شک می گردید، با صراحت تمام به این مهم اشاره نموده و گاه در اواخر همان شب و یا روزهای بعد، تلفن نموده و می گفت: بالاخره با تمرکز بسیار و یا مراجعه به فلان کتاب یا روزنامه و ... اسم آن شخص و یا تاریخ را به یاد آوردم.

به هر تقدیر، اولین آشنایی بنده با آقای صنعتی به زمانی بر می گردد که با مرحوم محمد دانشور در زمینه تصحیح و ویراستاری کتاب هایشان همکاری داشتم، و آن مرحوم در این خصوص اصرار داشت حتما کلیه مطالب - به ویژه مسایل و حوادث تاریخی چند دهه ی اخیر - قبل از انتشار، حتماً به رویت آقای صنعتی رسیده و صحت آنان توسط وی تأیید گردد. این ارتباط، چندین بار و بدین واسطه ادامه داشت و در هر ملاقات به حافظه قوی، اطلاعات، نکته سنجی و تحلیل های واقع بینانه ی ایشان بیشتر واقف می گردیم، تا این که در سال ۱۳۸۹ در جلسه ای که در منزل ایشان تشکیل گردیده بود تا در خصوص انتشار کتاب «عکس های قدیم کرمان» هماهنگی های لازم صورت گیرد، اشاره ای به تدوین اثری در خصوص خاطرات و فعالیت های وی به میان آمد و ایشان گفت: دوستان و آشنایان نیز شدیداً اصرار دارند تا خاطرات خود را منتشر نمایم. این قضیه چندی مجمل ماند، تا آن که در آخرین جلسه ای که به دیدار مرحوم محمد دانشور در منزلش رفته بودیم تا ضمن عیادت، خبر انتشار قریب الوقوع آخرین کتاب وی یعنی «شهرداری ها و شوراهای استان کرمان» را اطلاع دهیم، آقای صنعتی در همان جا از من خواست تا در صورت تمایل کار تدوین و تألیف

زندگی‌نامه و خاطرات وی را انجام دهم. بدون هیچ گونه درنگی قبول نموده و از چند روز بعد در مکانی مجاور دفتر ایشان در جاده تهران، پس از انجام چندین مصاحبه مفصل، کار فیش‌برداری و پژوهش از انبوه روزنامه‌ها، مجلات، کتاب‌ها و اسناد وی آغاز گردید.

- طبق توافقی که در ابتدا به عمل آمد، قرار بر این شد که این مجموعه منحصر به خاطرات و فعالیت‌های ایشان نباشد و با توجه به موضوع مورد بحث و اطلاعات موجود در هر زمینه، اشاره‌ای به اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ورزشی کرمان در چند دهه‌ی اخیر نیز گردد تا از این گذر خوانندگان بتوانند اطلاعات و احاطه بیش‌تری به آن دوران پیدا نمایند.

- با توجه به این که سعی بر آن بوده که خاطرات و فعالیت‌های آقای صنعتی با تکیه به مستندات و منابع موثق همراه باشد، در این خصوص، قسمت‌هایی از گزارش روزنامه‌ها و مجلات و ... آورده شود و گاه در برخی مواقع از دو یا چند منبع استفاده شده است.

- در راستای ارایه اطلاعات بیشتر به خوانندگان محترم، سعی بر آن بوده زندگی‌نامه کوتاهی از اغلب افرادی که در مجموعه از آنان یاد گردیده است - چه کرمانی و چه غیر کرمانی - در پاورقی آورده شود.

- در برخی قسمت‌ها، به ویژه در بخش سیاسی مجموعه، ضمن پرداختن به خاطرات و فعالیت‌های آقای صنعتی، این مهم بهانه‌ای شد تا به برخی مسایل و وقایع آن دوران کرمان و یا شخصیت‌های مطرح کرمانی نیز اشاره گردد و برای آن که جانب عدالت و عدم یک سو‌نگری رعایت گردد، آن رخداد و یا شخصیت از منابع و اسناد مختلف مورد بررسی قرار گرفته است.

- نظر به غنای آرشیو عکس‌ها و اسناد آقای محمد صنعتی، ضمن استفاده از عکس‌ها و اسناد متعدد در متن کتاب، جهت استفاده خوانندگان، به ویژه محققین و پژوهشگران، آلبومی از اسناد و عکس‌ها نیز در انتهای کتاب آورده شده است.

- از آنجایی که در متن کتاب، نام تعدادی از استادان کرمان در دهه‌های گذشته ذکر گردیده است، جهت آشنایی بیشتر خوانندگان محترم و همچنین استفاده پژوهشگران، آلبومی از استادان کرمان (حاوی عکس و زندگی‌نامه) از سال ۱۳۰۰ شمسی تا حال حاضر (۱۳۹۳) در انتهای کتاب منتشر گردیده

است. شایان ذکر است، با توجه به این که تهیه عکس و زندگی‌نامه از ۶۹ استاندار این دوران (۹۳ سال) کار دشواری بود، این مهم تا حد امکان در این مجموعه صورت گرفته است و امید است در آینده‌ای نزدیک آلبومی از استانداران کرمان - از قاجاریه تا کنون - در مجموعه‌ای مستقل منتشر گردد. در پایان، ضمن آرزوی سلامت و طول عمر برای آقای محمد صنعتی، بر خود لازم می‌دانم از سرکار خانم طاهره امیرزاده، مهندس کامران، مهندس کامبیز، مهندس کیمیا و مهندس کیانا (همسر و فرزندان آقای صنعتی) که با همکاری صمیمانه خود در طول یک سال گذشته، بر غنای بیشتر این مجموعه افزوده‌اند، تشکر و قدردانی نمایم.

از مراحم و الطاف جناب آقای سید محمد علی گلاب زاده و آقای حسین زراعت کار، به واسطه‌ی ارایه طریق، مشاوره و مرتفع نمودن برخی از مشکلات و موانع موجود، صمیمانه تشکر و سپاس‌گزاری می‌نمایم.

و در نهایت، با اذعان به این امر که تمامی کمبودها و نواقص مجموعه، بی‌تردید از این جانب ناشی گردیده است، امید دارم این کتاب توانسته باشد گوشه‌ای از وقایع و رخدادهای متعدد کرمان در چند دهه‌ی اخیر را به تصویر کشانده باشد.

بمنه و کرمه

مجید نیک پور

زمستان ۱۳۹۳

به نام توان بخش هر ناتوان
خداوند بخشنده‌ی مهربان

چندین سال، دوستان، آشنایان، اهل فرهنگ و اصحاب جرائد و مطبوعات، هر گاه در محافل و مجالس مختلف، سخن از وقایع و حوادث یک قرن اخیر کرمان، در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌شد، و بنده به مقتضای سن و سال و موی سپید، از آن روزها، افراد و وقایع مختلف یاد می‌کردم، اصرار شدید آنان را در پی داشت، تا شنیده‌ها، دیده‌ها و به طور کلی خاطرات خود را به رشته تحریر در آورم. هر چند گه‌گاه مطالبی در روزنامه‌ها و مجالس مختلف داشته‌ام، اما این مطالب، نه خودم را راضی می‌نمود و نه دوستان و اصحاب مطبوعات را. چرا که تنها اشاره به وقایع پرنشیب و فراز هفت دهه‌ی اخیر ایران و کرمان، مثنوی می‌طلبید هفتاد من کاغذ؛ که این مهم هم از بنیه علمی و هم از توان جسمی بنده خارج است. لذا بر آن شدم تا در اجابت به این خواسته‌ی دوستان و همچنین ادای دین به شهر و همشهریان عزیزم، شمه‌ای از دیده‌ها، شنیده‌ها و فعالیت‌های خود را ارائه نمایم. البته باید در همین ابتدا خاطر نشان سازم که هدف غایی در این مجموعه، بیان زندگی‌نامه و فعالیت شخص محمد صنعتی نیست، بلکه بدین بهانه، نیت پرداختن و ذکر گوشه‌هایی از تاریخ، فرهنگ، اقتصاد، سیاست و وقایع شش دهه‌ی اخیر کرمان بوده است، تا شاید از لایه لای این سطور که اشاره به گذشته دارد، عبرت و درسی حاصل آید

هر که نامُخت از گذشت روزگار

نیز نام‌وزد ز هیچ آموزگار

گذر هشت دهه، و حضور در صحنه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی کرمان، خواسته و ناخواسته سینه آدمی را به صندوقچه‌ای از خاطرات - و به قول امروزی‌ها، آرشیوی - مبدل می‌کند که در آن انبوهی از رخداد‌های تلخ و شیرین در جوار یکدیگر جا گرفته‌اند؛

در مرور ایام کودکی هفت هشت ساله که می‌بایست فارغ از دنیای بزرگان، تنها در پی بازی و نشاط کودکانه‌ی خود باشد، روزهای سیاه و تیره‌ای در پیش چشمانم نقش می‌بندد که به واسطه‌ی وقوع جنگ جهانی دوم، کمبود غذا، فقدان امنیت، شیوع انواع بیماری و مرگ و میر نوزادان و کودکان و ... باعث اندوه و اضطراب پدر و مادر و همسهریانم شده بود و دنیای کودکی من و هم سالان مرا آشفته بود. شاید از این رو بود که بعدها این شعری که همواره در یادآوری آن روزها زیر لب برخی افراد زمزمه می‌شد، را خیلی زود حفظ نمودم:

شنیده‌ای تو که محمود غزنوی شب دی
نشاط کرد و شیش جمله در سمور گذشت
یکی فقیر در آن شب، لب تنور گرفت
لب تنور، بر آن مستمند عور گذشت
چو شب گذشت، بر آورد نمره کای محمود
شب سمور گذشت، و لب تنور گذشت

فقر فراگیر از یک سو و کمک به معیشت خانواده از سوی دیگر، باعث گردید تا ورود به دنیای بزرگسالان، برای من و بسیاری از هم سن و سالانم خیلی زود آغاز شود. لذا خاطرات خوش مکتب‌خانه، مدرسه و ... را رها نموده و در سن ۱۴ سالگی در کارخانه خورشید مشغول به کار شدم. کارخانه خورشید علاوه بر مرکزیت فعالیت اقتصادی شهر کرمان، مرکز فعالیت‌های سیاسی نیز محسوب می‌گردید و محل جولان گروه‌های مختلف سیاسی، به ویژه حزب توده بود. فقر، تبعیض طبقاتی، شعارهای پر زرق و برق حزب توده در رفع بی عدالتی و نابودی فقر و ... در جوار شور جوانی، از جمله عللی بود که بسیاری از جوانان کارگر شاغل در این

کارخانه جذب آیین حزب شوند.

هر زمان که به آن روزها می‌اندیشم، هنوز هیاهوی کارگران در میتینگ‌ها، شعارهای مرده باد و زنده باد، درگیری‌های طرفداران دکتر مظفر بقایی و مهندس احمد رضوی، سخنرانی‌های جنجال‌آفرین سران حزب توده در ساختمان قدیمی شرکت نفت، واقع در طبقه بالای ضلع شمال شرقی میدان مشتاقیه، وقایع روزهای قبل از ۲۸ امرداد ۱۳۳۲ (به ویژه سه روز ۲۵ تا ۲۸ امرداد که شاه مجبور به ترک ایران گردید و من هم به دلیل وابستگی به نهضت ملی ایران به رهبری دکتر محمد مصدق، در این سه روز با بلندگو و اتومبیلی که سرگرد سید محمود سخایی - رئیس شهربانی - در اختیارم گذارده بود، در گوشه و کنار شهر - میدان ارگ، میدان مشتاقیه و ... - علیه شاه و دربار سخن می‌گفتم)، قتل ناجوانمردانه‌ی سرگرد سخایی و ... چونان فیلمی از برابر دیدگانم می‌گذرد.

آنان که زمین زیر قدم فرسودند و ندر طلبش هر دو جهان پیمودند
آگاه نمی‌شوم که ایشان هرگز زین حال - چنان که هست - آگاه بودند

افتتاح کارگاه‌های متعدد فنی در شهر کرمان، زاهدان و بندرعباس، عضویت در هیئت مشورتی روزنامه اطلاعات، فعالیت در انجمن‌های محلی، انجمن شهرستان کرمان، هیئت منصفه مطبوعات، جنبش ملی نیکوکاری و بنیادهای نیکوکاری کرمان، جمعیت شیر و خورشید سرخ (هلال احمر)، سازمان خدمات اجتماعی، انجمن حمایت از زندانیان، کمیته ملی حمایت از مصرف‌کنندگان، اتاق اصناف، هیئت‌های ورزشی، تأسیس شرکت واحد اتوبوس‌رانی کرمان، چگونگی شکل‌گیری تأسیس دانشگاه کرمان تا مرحله‌ی اجرا و ... تنها اشارتی به زندگی و فعالیت‌های من نیست، بلکه گوشه‌ای از تاریخ و اقتصاد و سیاست این دیار در شش دهه، و یادی از بزرگوارانی است که برای پیشرفت و آبادانی این دیار، با بذل مال، جان، وقت خود، سال‌ها در عرصه‌های مختلف، منشأ خدمات بوده‌اند. همچنین اشارتی است به آنانی که روزگاری، به واسطه‌ی ثروت و اعتبار پدران و اجداد خود، یا سمت سیاسی و اداری، کرمان را ملک طلق خود می‌پنداشتند و چه ترفند و نقش‌ها

که به کار نمی‌بردند؛ و حال اکثریت آنان روی در نقاب خاک کشیده‌اند و از آن همه کز و فرّ، تنها سنگ قبر و یاد و عبرتی به جا مانده است این سنگ قبرها، همه سر بسته نامه‌هاست کز آخرت، به مردم دنیا نوشته‌اند خدا را شاکرم که از بطن جامعه‌ی کرمان و در خانواده‌ای متوسط، تولد و رشد و نمو داشتم و اگر توانستم در عرصه‌های مختلف منشأ خدماتی ناچیز گردم، آن را رهین الطاف خداوند منان، دعای خیر پدر و مادر و در سایه‌ی تلاش و کوشش خود می‌دانم.

خجل از روی حبابم که به این تنگی ظرف
آنچه در کیسه خود داشت، به دریا بخشید

هر چند در این راستا به واسطه‌ی وضعیت خانواده و حرفه بارها مورد شماتت و ملامت قرار گرفتم، از جمله یاد دارم، در زمان استانداری مصطفی درخشش، در جلسه‌ای که از طرف انجمن شهرستان کرمان در خانه شهر تشکیل گردیده بود، قبل از سخنرانی استاندار، بنده به عنوان عضو انجمن شهرستان، ضمن بیان مطالبی در خصوص کمبودهای منطقه، راهکارهایی نیز بیان نمودم. سپس درخشش سخنرانی نمود و در تأیید گفتار بنده، یک بار از من به عنوان «دوست گرامی» نیز یاد نمود.

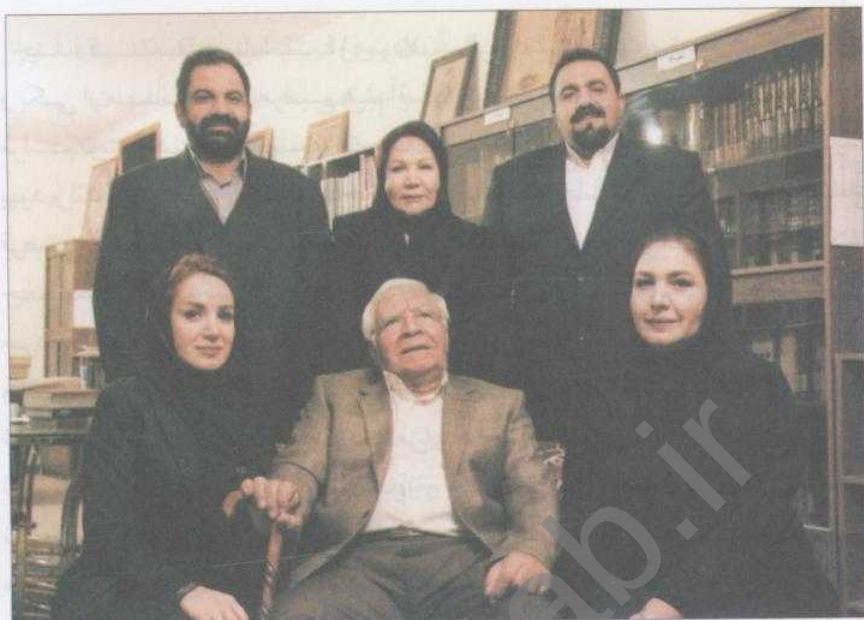
در ابتدای سالن که تعدادی از رجال و متنفذین شهر که هر کدام به نوعی وابسته به یکی از خانواده‌های متمول و بانفوذ استان بودند، ایستاده بودند. گویی سخنرانی بنده، آن هم قبل از استاندار و همچنین تأیید حرف‌های من توسط درخشش، چندان به مذاق آنان خوش نیامده بود، و یکی از آنان به دیگران گفته بود: «ببینید کار ما به کجا رسیده که ما باید اینجا بایستیم و آن وقت یک جوش کار برای مسایل استان نظر بدهد و استاندار نیز حرف‌های او را تأیید کند و او را هم «دوست گرامی» خطاب کند»!

چند روز بعد یکی از حاضرین این جمع (حسین فاتح، مدیر روزنامه‌ی فاتح) به دفتر بنده آمد و پس از مقدمه‌چینی، گفت: «صنعتی اگر قول می‌دهی از خودت عکس‌العملی نشان ندهی، مطلبی را برات بگویم». با قبول خواسته‌ی وی، تمامی گفتار آن روز آن بزرگواران را برای من نقل نمود.

چند وقت بعد به مناسبت ۱۴ مرداد، سالروز مشروطیت مراسمی برپا گردید و یکی از میهمانان این مراسم هم آقای «کیان‌پور»، وزیر اطلاعات بود. در این مراسم نوبتی هم برای سخنرانی بنده در محل حزب رستاخیز تعیین گردیده بود و اتفاقاً تمامی آن دوستان حاضر در جلسه‌ی خانه شهر نیز حضور داشتند. فرصت را مغتنم شمرده و در سخنان خود با اشاره به نهضت مشروطیت، گفتم: حضار محترم همگی می‌دانند که نهضت مشروطیت در واقع با تلاش و ایثار مردم کوچک و بازار به ثمر رسید و بزرگ‌ترین دشمن آن نیز بی‌تردید اعیان و متمولین دوره قاجاریه بودند. اگر به لیست نمایندگان چند دوره اول مجلس شورای ملی هم نگاهی بیاندازیم، می‌بینیم که در فهرست نمایندگان، افرادی از صنوف مختلف اجتماع چون بزاز و بقال و ... نیز حضور داشتند که اتفاقاً نقشی مهم و تعیین‌کننده در مسایل مختلف و قوانین کشوری داشته‌اند، که هنوز قریب به یک قرن، مورد اجرا و یا مورد درخواست مردم می‌باشند. از این رو، بنده نیز به خود می‌بالم که کشاورز زاده‌ی هستم از طبقه محروم جامعه کرمان، که به لطف خدا، عرق جبین و نان حلال پدر، دعای خیر مادر و در سایه‌ی تلاش و فعالیت مستمر خود، و اندک اعتباری که در نزد مردم این شهر کسب نموده‌ام، اینک در حضور شما، در انجمن شهرستان و دیگر مجموعه‌ها خدمت می‌کنم، این وظیفه نه به واسطه‌ی لقب و اعتبار پدر و اجدادم و نه به واسطه‌ی ثروت و املاکم به من تفویض گشته! بنده را اینجا کسی به عنوان پسر «کربلایی حاجی» نمی‌شناسد، بلکه خود را همان جوش‌کاری می‌دانم که از بطن جامعه کرمان رشد نموده و درد و مشکلات مردم ساده و نجیب این شهر را با پوست و گوشت خود لمس نموده، و اگر در هر جلسه و مراسمی، از مشکلات و راهکارهای آن می‌گویم، به این دلیل است که به این معضلات اشراف دارم و بیان آنان را وظیفه و دین خود نسبت به همشهریانم می‌دانم و بس.

حاصل دیوانگی‌ها، سنگ طفلان خوردن است

وای بر معجون که عمر او به صحراها گذشت



خانواده محمد صنعتی

از راست: کامبیز صنعتی، خانم طاهره امیرزاده، کامران صنعتی

کیمیا صنعتی، محمد صنعتی و کیانا صنعتی^۱

به هر تقدیر، «گفته‌ها بسیار شد، ناگفته‌ها بسیار تر»، در پایان درود می‌فرستم به روح بلند تمامی مردان و زنان سخت‌کوش، صبور و نجیب دیار کریمان که با همت و تلاش مثال‌زدنی خود در ادوار گذشته، در شکوفایی و آبادانی این دیار سهمی داشته‌اند.

خداوند! چنان کن آخر کار

اگر چیزی شکستم دل نباشد

لازم است از کلیه دوستان و بزرگوارانی که در امر تدوین، انتشار و غنای بیشتر این مجموعه نقش داشته‌اند، همچون محقق و پژوهشگر سرشناس، جناب

۱- کامران صنعتی؛ دارای مدرک کارشناسی ارشد آبیاری - کامبیز صنعتی؛ دارای مدرک کارشناسی صنایع و کارشناسی ارشد مردم‌شناسی - کیمیا صنعتی؛ دارای مدرک کارشناسی شیمی و کارشناسی ارشد روان‌شناسی و کیانا صنعتی دارای مدرک کارشناسی ارشد عمران می‌باشند.

آقای «گلاب زاده»، که از نخستین افرادی بودند که پیشنهاد تنظیم و تدوین این مجموعه را ذکر نموده و همچنین زحمت انتشار آن را متقبل شده‌اند، تشکر و سپاس‌گزاری نمایم. در بیان تعلق و فعالیت‌های چندین ساله‌ی ایشان در این عرصه، همین بس که برای شناساندن تاریخ و فرهنگ غنی کرمان، کمر همت بر بسته و همواره با قلم و بیان شیرین خود، گوشه‌هایی از مجد و عظمت این دیار کهن را ثبت و ضبط نموده‌اند.

لازم است از دیگر محقق و پژوهشگر گرامی کرمان، جناب آقای «مجید نیک‌پور» که زحمت پژوهش، تدوین و تألیف این مجموعه را در طول قریب به دو سال گذشته متقبل شده‌اند، تشکر و سپاس‌گزاری نمایم. بر خود فرض می‌دانم از زحمات و شکیبایی همسر صبور و فداکارم سرکار خانم طاهره امیرزاده و فرزندانم؛ کامران، کامبیز، کیمیا و کیانا، به واسطه‌ی همراهی و همدلی آنان، به رغم تحمل تمامی کمبودها و موانعی که به دلیل فعالیت‌ها و مشغله‌های متعدد در چندین دهه‌ی گذشته بر آنان تحمیل گشته، تشکر و سپاس‌گزاری ویژه نمایم.

و در نهایت، امید دارم این مجموعه با اذعان بر تمامی کمبودها و نواقص آن - بتواند بازگو کننده‌ی گوشه‌ای از وقایع و مسایل کرمان در هفت دهه‌ی اخیر باشد.

دریغ نه آنیم که دشنام یا دعاست

یادش به خیر، هر که ز ما یاد می‌کند

محمد صنعتی

زمستان ۱۳۹۳